

موزش درست نویسی ۲

قواعد نشانه‌گذاری

«نقطه گذاری» یا «سجاوندی» عبارت است از به کار بردن علامت‌ها و نشانه‌هایی که خواندن و در نتیجه فهم درست مطالب را آسان و به رفع پاره‌ای ابهام‌ها از جمله ابهام‌هایی که ناشی از عدم انعکاس عناصر گفتاری در نوشته است. کمک می‌کند.

استفاده از این نشانه‌ها در زبان فارسی سابقه‌ی چندانی ندارد و از دو قرن پیش معمول شده است. بدیهی است در استفاده از این علائم و نشانه‌ها باید از افراط و تفریط پرهیز کرد و با توجه به جمله‌بندی و ساختمان زبان فارسی آنها را به کار گرفت.

نشانه‌های معمول در زبان فارسی از این قرار است:

۱- نقطه (.)

موارد استفاده از نقطه:

الف - در پایان جمله‌های کامل خبری یا برخی جمله‌های انشایی. مثال:

- فردوسی بزرگترین حماسه‌سرای ملی ایران است.

ب- پس از هر حرفی که به صورت نشانه‌ی اختصاری به کار رفته باشد. مثال:

- ارسطو متوفی به سال ۳۲۲ ق.م. (قبل از میلاد مسیح)

- م. سرشک (محمد رضا شفیعی کدکنی)

چنین است در نشانه‌های اختصاری برای کلمه‌های خارجی:

- پست و تلگراف و تلفن P.T.T.

یادآوری: هرگاه دو جمله کامل با «و» به یک دیگر عطف گردد، نقطه در پایان جمله‌ی دوم گذاشته می‌شود. مثال:

- دلم گرفته بود و هیچ چیز مرا نمی‌توانست از هجوم خاطره‌های آزاردهنده برهاند.

۲- ویرگول (کاما) یا درنگ (،)

ویرگول نشانه‌ی توقف یا درنگ کوتاهی است که در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - میان عبارت‌ها یا جمله‌های غیرمستقلی که در مجموع، یک جمله‌ی کامل را تشکیل می‌دهد. مثال:

- هرکه آن کند که نباید، آن بیند که نشاید.

ب - آن جا که کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح، عطف بیان یا بدل در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده می‌شود. مثال:

- ناصر خسرو، شاعر آزاده‌ی خراسانی، اشعار زهد و پند بسیار گفته است.

پ- آن جا که در مورد چند کلمه اسناد واحدی داده می‌شود. مثال:

-آب، غذا و مسکن از لوازم اولیه‌ی حیات محسوب می‌شود.

ت- بین دو کلمه که احتمال می‌رود خواننده به اشتباه آنها را با کسره‌ی اضافه بخواند، مثال:

- از پشت تپه‌ها و بیابان‌های خاخرات، تو در راه خیال من هستی، تنها، تو، تو.

ث- برای جدا کردن اجزای مختلف نشانی شخص یا مرجع و مأخذ یک نوشته، مثال:

- مشهد، خیابان بزرگمهر، کوچه‌ی یاسمن، شماره ۱۲۷

- امام محمد غزالي، کیمیاي سعادت، تصحيح حسين خديو جم، مركز انتشارات علمي و فرهنگي، تهران ۱۳۶۲، ج ۱ ص ۲۵.

۲- نقطه - ويرگول (:)

نقطه - ويرگول، علامت وقف يا درنگي است بيشتري از ويرگول و کمتر از نقطه که در موارد زير به کار مي‌رود:
الف- براي جدا کردن عبارتي هاي مختلف يك جمله‌ي طولاني که به ظاهر مستقل اما در معني به يك ديگر مربوط است. مثال:

- دوست واقعي آن است که يار شاطر باشد؛ نه بار خاطر.

ب - معمولاً در جمله‌هاي تفسيري و توضيحي يا پيش از کلمه‌هايي از نوع «مثلاً»، «زيرا»، «يعني»، «به عبارت ديگر» و ... «نقطه - ويرگول» و بعد از آنها «ويرگول» گذاشته مي‌شود، مثال:

- عمل هر فردي در گروه نيت اوست؛ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ

- و نامه‌اي بدو نوشت؛ نامه‌اي پر درد با بسيار وعده و وعيد.

پ- هنگام برشمردن و تفكيك اجزاي مختلف وابسته به يك حکم کلي. مثال:

- مثنوي معنوي (۶ دفتر، تصحيح نيکلسون)؛ کليات شمس يا ديوان کبير (۱۰ جلد، تصحيح فروزانفر)؛ فيه

مافيه (تصحيح فروزانفر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب)؛ و

۲- دو نقطه (:)

موارد استفاده از اين علامت به شرح زير است:

الف - قبل از نقل قول، مثال:

- حکيمي را گفتند: عالم بي عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بي عسل.

ب - قبل از تفصيل حکمي که به اجمال بدان اشاره شده است. مثال:

- در آن سال تحولي بزرگ در مملکت روي داد: سلطنت سقوط کرد و انقلاب پيروز شد و کار انتظامي بالا

گرفت.

پ- هنگام برشمردن يا بيان اجزاي يك امر کلي، مثال:

- کتاب‌هايي که در اين مؤسسه چاپ مي‌شود، عبارت است از: کتاب‌هاي علمي، اخلاقي، متون ادبي و

فرهنگي و ...

ت - هنگام معني کردن کلمه‌ها، مثال:

- صداع: دردسر، موجب زحمت

۵- علامت نقل قول يا کيومه («...»)

اين علامت براي نشان دادن ابتدا و انتهاي قول مستقيم يا مطلبي است که عيناً از کسي يا جايي نقل مي‌شود.

همچنين است براي برجسته کردن کلمه يا اصطلاح ويژه.

موارد استفاده از اين علامت به شرح زير است:

الف - وقتي بخواهيم عين سخن يا نوشته‌ي کسي ديگر را بياوريم، مثال:

- سعدي مي‌گويد: «همه کس را عقل خود به کمال نمايد و فرزند خود به جمال»

یادآوری ۱: هرگاه مطلب نقل شده دراز و شامل چند بند (پاراگراف) باشد، علامت نقل قول در آغاز هر بند و فقط در پایان بند آخر قرار می‌گیرد.

یادآوری ۲: هرگاه نقل قولی در ضمن نقل قولی دیگر بیاید، آن را میان علامت نقل قول فرد (.....) قرار می‌دهیم، در حالی که اصل نقل قول با گیومه زوج («...») مشخص می‌شود. مثال:

گفت: «در جایی خوانده‌ام که: , یا خاموش باش، یا حرفی بزنی که از خاموشی بهتر باشد.»

ب- در آغاز و انجام کلمه‌ها و اصطلاح‌های تازه یا جعلی یا عامیانه یا کلمه‌هایی که مورد تأکید قرار می‌گیرد. مثال:
- کلمه‌ی «کولتور» فرنگی را در فارسی معادل «فرهنگ» گرفته‌اند.

پ- هنگام ذکر عنوان مقاله‌ها و رساله‌ها و اشعار و روزنامه‌ها و آثار هنری و فصل‌ها و بخش‌های یک کتاب. مثال:
- باب اول بوستان سعدی، «در عدل و تدبیر و رأی» است.

یادآوری: عبارت نقل شده در داخل علامت نقل قول، نشانه‌های نقطه‌گذاری خود را حفظ می‌کند و علامت پایانی اگر مربوط به جمله یا عبارت نقل شده باشد، در داخل نشانه‌ی نقل قول می‌آید، مانند:

- پیشینیان گفته‌اند: «هرکه در کارتر است بر کارتر است و هر که بی‌کارتر است بی‌کارتر.» اما امروز...

۶- علامت تعجب (!)

این علامت تنها نشانه‌ی تعجب نیست بلکه در پایان جمله‌هایی به کار می‌رود که مبین یکی از حالات شدید نفسانی و عاطفی است. از قبیل تعجب، تأکید، اخطار، تحسین، تحقیر، تنفر، ترخم، استهزا، شک و تردید، امر و نهی، انکار، تهدید، حسرت، آرزو، درد و الم، دعا، ندا، خطاب و ...؛ مثال:

- عجب آدم دورو و ده رنگی است!
- آهسته!
- بسیار خوب!
- خدا لعنتش کند!

۷- علامت سوال (?)

موارد استعمال این علامت به شرح زیر است:

الف - در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم. مثال:

- کتابتان را که به امانت گرفته بودند، آوردند؟

یادآوری: در پایان جمله‌های پرسشی غیرمستقیم، نقطه به کار می‌رود، مثال:

- هر آیه‌ای که از طرف خدا نازل می‌شد، پیغمبر اکرم پیام و معنی آن را در می‌یافت و می‌دانست که چرا و به چه سبب آمده است.

ب- گاه برای نشان دادن مفهوم تردید یا ریشخند و استهزا، علامت استفهام داخل پرانتز (?) می‌آید و با تأکید خواننده می‌شود. مثال:

- تاریخ وفات سنایی غزنوی را سال ۵۲۵ (?) نوشته‌اند.

- برخی از خبرگزاری‌ها اعلام کردند که در افغانستان عدالت اجتماعی (?) برقرار شده است.

یادآوری ۱: هرگاه جمله به صورت استفهام انکاری (تأکید در نفی) آمده باشد، علامت سوال نمی‌خواهد و به جای آن علامت تعجب به کار می‌رود.

- نه این است که جزای نیک‌ی نیک‌ی و جزای بدی بدی است!

یادآوری ۲: هرگاه جمله‌ی سوالی جنبه‌ی خواهش یا تقاضای مؤدبانه داشته باشد، به جای علامت پرسش نشانه‌ی تعجب آورده می‌شود، مثال:

- ممکن است خواهش کنم دست از سر من بردارید!

پ- علامت سؤال گاهی در پایان عنوان کتاب یا مقاله و مطلبی قرار می‌گیرد که خود در ضم جمله‌ای دیگر می‌آید. مثال:

- «چه باید کرد؟» عنوان کتابی است از دکتر علی شریعتی.

ت - بعد از هر کلمه یا عبارتی که جای جمله‌ی استفهامی مستقیم را بگیرد. مثال:

- کدام را می‌پسندی؟ جنگ یا صلح؟

ث- پس از فیدهای استفهام که خود در حکم یک جمله‌ی پرسشی کامل است. مثال:

چرا؟ چه گونه؟ چه طور؟ کجا؟، کی؟ و ...

یادآوری: بعضی‌ها علامت سوال را به جای علامت تعجب به کار می‌برند که صحیح نیست و برخی نیز برای نشان دادن تعجب بیش از حد دو یا چند علامت سوال را پشت سر هم می‌آورند که آن هم وجهی ندارد.

۸- پرانتز یا دو هلال ()

این علامت گاهی برای نشان عبارتهای توضیحی به کار می‌رود. مثال:

- ناصر خسرو قبادیانی (۴۸۱ - ۳۹۴ هـ. ق) یک عمر در مبارزه و تبعید گذراند.

- مجنون و لیلی (یکی از مثنوی‌های هفت اورنگ جامی) به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده شده است.

در مورد تاریخ زندگانی افراد، ابتدا از سمت چپ تاریخ تولد و پس از خط فاصله، سال وفات می‌آید.

یادآوری: از به کار بردن دو پرانتز متوالی جز در فرمول‌های ریاضی باید خودداری کرد.

۹- کروشه یا قلاب []

این علامت در موارد زیر به کار می‌رود:

الف- در تصحیح متون کهن، الحاق احتمالی که از نسخه بدله‌ها یا از طرف مصحح افزوده می‌شود، در داخل قلاب قرار می‌گیرد. مثال:

- [شد]...نیدن رعد اندر خواب اگر بی ابر [باشد دلا]لت کند بر فتنه و خوف و ظلم (التحیر فی علم التعبیر، ص ۸۵).

- و استادم - رحمه الله علیه - [بونصر مشکان] به هرات چون دل شکسته‌ای همی بود (تاریخ بیهقی، ص ۱۷۴).

ب- در نمایش‌نامه‌ها، دستورات اجرایی داخل قلاب گذاشته می‌شود. مثال:

- حسن [با قیافه‌ای عصبانی]: من حاضرم جانم را بر سر این کار بگذارم. [دستش را روی دلش می‌گذارد و آهی می‌کشد].

۱۰- تیره یا خط فاصله (_)

این نشانه در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - برای مجزا کردن جمله یا عبارت معترضه. مثال:

- و حسنك را به پاي دار آوردند - نعوذ بالله من قضاء السوء - = و دو پيك را ايستانيده بودند که از بغداد آمده‌اند (تاريخ بيهقي، ص ۲۳۳).

- يك روز كامل - و اگر ضرورت ايجاب کرد دو روز - مي‌توانيد صرف اين کار بکنيد.

يادآوری: اگر جمله‌اي که بين دو خط فاصله قرار مي‌گيرد در پايان مطلب باشد، انتهاي جمله به نقطه ختم خواهد شد و به آوردن خط فاصله در آخر جمله نيازي نيست. مثال:

- نسيم شمال اشعار وطني بسياري سروده است - شعرهايي که بر دل توده‌ي مردم مي‌نشست.

ب - در مکالمه بين اشخاص نمايش‌نامه و داستان يا ذکر مکالمه‌هاي تلفني در ابتدای جمله و از سر سطر به جاي نام گوينده. مثال:

- سلام آقا.

- سلام عليکم.

- حال شما چه طور است؟

- بد نيستم، خدا را شکر.

يا بعد از ذکر اسم گوينده در مواردی مثل نمايش‌نامه‌ها.

سهراب - درفش که بلند شد نوميدي ريشه‌کن مي‌شود.

اهريمن - و چون افتاد، ده برابر بيش از پيش ريشه مي‌گيرد.

سهراب - اين بار نمي‌افتد. خودت هم مي‌داني. (تياه، ص ۲۸)

پ- به جاي «از» و «تا» و «به»، بين تاريخ‌ها، اعداد و کلمه‌ها. مثال:

فروردين - خرداد ۱۳۴۳ (= از فروردين تا خرداد)

دهه‌ي ۵۰- ۱۳۴۰ (- از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰)

ت- براي نشان دادن بيان ناشي از لکنت زبان. مثال:

- م - م - من - ب - ب - ب - براي هر نوع - ف - ف - فداکاري - ح - ح - ح - حاضرم.

ث- براي جدا کردن هجاهاي يك کلمه در تقطيع يا جدا کردن حروف يك کلمه از يکديگر. مثال:

کلمه‌ي «مبارزه» شامل چهار هجاست: م - با - ر - زه.

ج- براي پيوستن اجزاي يك کلمه‌ي دو جزئي مرکب. مثال:

فرهنگ ايراني - اسلامي

علامت «نقطه - ويرگول» در نقطه‌گذاري فارسي کمتر رايج است.

چ- در پايان سطري که جزئي از يك کلمه در انتها و جزء ديگر آن در آغاز سطر بعدي مي‌آيد.

مثال:

پيدااست که تلاش و کوشش و مبارزه‌ي پي‌گير و مستمر در راه هدف، از جمله‌ي عمده ترين صفاتي است که جامعه را پيروز مي‌کند.

ح - براي نشان دادن فاصله بين دو شهر. مثال:

-بالاخره موفق نشدم بليت مسافرت تهران - مشهد را دريافت دارم.

خ - در سمت چپ اعداد و حروف آغاز جمله‌ها که مابين نوعي شمارش باشد نيز تيره يا خط فاصله قرار مي‌گيرد، مانند همين موردهايي که ما براي خط فاصله يا تيره برشمرديم.

یادآوری: در مطالب دست‌نویسی که برای چاپ ارسال می‌شود زیر اسم کتاب‌ها و مجله‌ها و مجموعه‌ها خط می‌کشند که همه‌ی این موردها در چاپ با حروف سیاه و در صورت امکان با حروف خوابیده (ایتالیک/ایرانیك) مشخص می‌شود.

۱۱- سه نقطه (...)

موارد استعمال این علامت به شرح زیر است:

الف - به جای يك یا چند کلمه‌ی محذوف. مثال:

فقر و نداری و بیکاری و ... از عوامل فساد جامعه است.

- اسدا... حسینی دانشجوی سال سوم رشته‌ی ادبیات فارسی

ب - در تصحیح متون کهن؛ آن جا که مصحح در متن افتادگی‌هایی می‌بیند که نسخه بدل‌ها در آنجا ساکت است. مثال:

- باز گردید و کارهای خویش بسازید که آنچه باید فرمود، شما را می‌فرمایم آن مدت که شما را این جا

مقام باشد و آن ... روز خواهد بود. (تاریخ بیهقی، ص ۸۸۳)

پ- هنگام قطع مطلبی که بخشی از آن نقل شده است چه قطع در اول عبارت منقول باشد و چه در آخر آن. مثال:

- ... و حالا پشت دستم را داغ می‌کنم که دیگر از این کارها نکنم. همین يك بار برای هفت پشتم کافی

است که ...

ت - هرگاه سه نقطه در انتهای جمله واقع شود، يك نقطه‌ی دیگر به علامت پایان جمله باید افزوده شود.

۱۲- ممیز یا خط مایل (/)

این نشانه در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - برای جدا کردن تاریخ‌های هجری و میلادی یا شمسی و قمری معادل (سمت راست سال هجری و سمت چپ سال میلادی). مثال:

این بطوطه - جهانگرد مغربی - در ۱۷ رجب ۲۵/۷۰۳ فوریه ۱۳۰۴ در طنجه متولد شد.

- سال ۱۱۷۸-۹/۵۷۴ اوج منزلت این جوزی در بغداد بود.

ب- برای جدا کردن عدد ماه و روز و سال در تاریخ‌ها. مثال:

- نامه‌ی مورخ ۷۶/۳/۱۵ شما رسید.

پ- برای نشان دادن کلمه‌های معادل که تنها در حرف یا حروفی از آنها ابدالی یا تخفیفی صورت گرفته است. مانند:

- زفان/ زبان - فرشته / فرشته

ت - برای جدا کردن دو مصراع شعر در متن‌های فشرده یا پاره‌های شعر نیمایی که به ضرورت یا برای صرفه‌جویی پشت سر هم چاپ می‌شود. مثال:

- تا شقایق هست/ زندگی باید کرد (سپهری)

- نه هر آدمی زاده از دد به است/ که دد ز آدمی‌زاده‌ی بد به است (سعدي)

۱۲- ایضاً یا علامت تکرار (")

این علامت به جای کلمه‌های مشابهی که عیناً در سطرهای متوالی و با حکمی واحد تکرار می‌شود، به کار می‌رود. مثال:

۱- آقای احمد حسینی دانشجوی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، سال سوم

۲- " حسن شریعت " " " " " دوم

۱۴- ابرو یا خط تاب دار (~)

این نشانه معمولاً در واژه‌نامه و فرهنگ‌ها برای پرهیز از تکرار ماده‌ی مورد بحث به کار می‌رود. مثال:

- دل به دریا زدن

- ~ در گرو کسی داشتن

- ~ به راه داشتن.

۱۵- ستاره (*)

این علامت در موارد زیر به کار می‌رود:

الف- برای رجوع به زیرنویس (وقتی که در داخل متن، اعداد به منظورهایی دیگر به کار برده شده است).

ب- اغلب به جای عبارت «به همین ماده رجوع شود» در دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌ها.

پ- برای ایجاد فاصله میان اشعار، بندها یا پاراگراف‌هایی که موضوعشان با یکدیگر تفاوت دارد. گاه برای منظور اخیر، سه ستاره نیز به کار می‌رود.

۱۶- پیکان یا نشانه‌ی ارجاع (+)، (-)

این نشانه که در فارسی جهت آن از راست به چپ است، در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - هنگام ارجاع به ماده‌ای خاص که تقریباً معادل است با نشانه‌ی ر.ک. (رجوع کنید به...).

ب - در فرمول‌های شیمیایی نشانه‌ی پیکان به معنی «می‌دهد» به کار می‌رود.

پ- در زیرنویس‌هایی که دنباله‌ی مطلب به صفحه‌ی بعد کشیده می‌شود. توضیح آن که در انتهای زیرنویس صفحه، پیکان رو به سمت چپ و در آغاز زیرنویس صفحه‌ی بعد رو به سمت راست قرار می‌گیرد.

یادآوری: در شعر سنتی فارسی از به کار بردن نشانه‌های سجاوندی کمتر استفاده می‌شود. فقط وقتی این نشانه‌ها به کار می‌رود که بدون آنها خواندن شعر مشکل باشد.